

## نامه وارده

مجله نظام پزشکی

سال هفتم، شماره ۵، صفحه ۳۵۸، ۱۳۵۹

تصرف محل نظام پزشکی مشهد (یا شهرستانهای دیگر) و تصمیم مجمع عمومی پزشکان بیمارستانهای مشهد که در تاریخ ۹/۶/۵۹ تشکیل گردیده (که در اقلیت بودن آنها هم نسبت به بعد از پزشکان مشهد تقریباً شکی نیست) و نظام پزشکی مشهد را منحل ملقی کرده و خود عهده دار امور محوله بآن شده است در حکم نقض قانون و ممانعت از اجرای آن می باشد و جرم است اینک دلایل قانونی و شرعی دیگر مؤید این بیان:

۱- مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ما «حیثیت و جان و مال و حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» آقایان اعضاء هیأت مدیره نظام پزشکی مشهد اشخاصی هستند که بر طبق قانون و آئین نامه های قانونی از طرف پزشکان مشهد انتخاب شده و بشغل و خدمتی که قانوناً معرفی و تعیین شده است گماشته شده اند و ما قانونی نداریم که بعد از آن پزشکان یا اشخاص دیگر اجازه داده باشد که بعنوان انجمن های اسلامی، ساختمان و محل خدمت آنان را اشغال و تصرف کنند و خود آنان را هم مورد تعرض و توهین و افترا قرار داده و مانع خدمت گذاریشان بشوند و بعد بقول خودشان «حرکت خود را» از طرف حضارانی که صلاحیت اظهار نظر و اعمال نفوذ درباره نظام پزشکی و هیأت مدیره آن ندارند تأیید و حمایت شده قلمداد کنند و خیال کنند که باین ترتیب خلافتی را بر آنان توجیه میشود. «زهی تصور باطل زهی خیال محال» همچنین بموجب اصل چهارم قانون اساسی که «هیچکس نمیتواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» نیز اقدام و عمل آقایان پزشکان عضو انجمنهای اسلامی يك عمل

پس از اسلام، تجزیه و تحلیلی که درباره اقدام آقایان پزشکان عضو انجمن های اسلامی بیمارستان های مشهد و توضیح نظر آقایان مخالف و موافق با اقدام آقایان پزشکان مذکور در شماره ۹ مهر ماه ۱۳۵۹ هفته نامه طب و دارو مرقوم و منتشر شده، بسیار خوب و جالب است.

من خبر اقدام آقایان پزشکان انجمن های اسلامی بیمارستان های مشهد را در باب تصرف از زمان نظام پزشکی و اخراج اعضاء هیأت مدیره، چندی پیش در روزنامه خواننده بودم اما از اعلامیه و فکر و حجتشان در کارهایی که انجام داده اند اطلاعی نداشتم و پس از آنکه «متن خلاصه شده» اعلامیه مزبور و اظهارات آنان را در «هفته نامه طب و دارو» خواندم بمقتضای وظیفه ملی و صنفی و دینیم لازم دانستم که بقدر وسع و امکانم و در تکمیل آنچه در آن نشریه مرقوم رفته بادی توضیحات و ایراد بحثی درباره اقدام همکاران گرامی فوق الذکر مبادرت کنم و خدمت جناب عالی بفرستم تا انشاء اله موافقت و مقرر فرمائید در اولین فرصت در مجله نظام پزشکی درج گردد.

پیش از ورود در بحث اصلی مورد نظر باید متذکر شوم که در ماده واحده مصوب ۲۵/۴/۵۹ شورای انقلاب شرایط انتخاب شوندگان بهضویت هیأت مدیره نظام پزشکی ایران تعیین گردیده است و از این رو و بر حسب ماده واحده صریح مذکور وجود و برقرار بودن نظام پزشکی ایران و قانون آن تصویب و تسجیل شده است و بعبارت دیگر قانون تأسیس نظام پزشکی ایران و سازمان مرکزی آن و بقیع آن سازمانهای نظام پزشکی شهرستانهای مختلف بحکم خودش باقی است و تخلف از آن یا ممانعت از اجرای آن و نیز

مخالف قانون و در حقیقت در حکم تجاوز بحقوق و منافع عمومی و اضرار کسان است که قایم نگاران قوانین را برای حفظ منافع و مصالح آنها وضع کرده اند.

۲- تصرف و اشغال خودسرانه ساختمان نظام پزشکی مشهد عملی خلاف امر صریح قرآن و شرع اسلام است بدلیل آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتنا غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تساموا علی اهلها» آیه ۲۶ یا ۲۷ از سوره النور ۳۴. در تفسیر ابوالفتوح رازی که از تفسیرهای معروف شیعه است در بیان معنی این آیه چنین آمده است «خدا تعالی خطاب کرد با جمله مومنان که در هیچ خانه وارد مشوید که نه خانه شما باشد مگر آنکه از پیش اجازه گرفته و به اهل خانه سلام و تحیت گفته باشید». ملاحظه بفرمائید که در آیه شریفه صحبت از مطلق خانه غیر است بدون توجه بوضع و آئین صاحب آن (اعم از مسلمان و غیر مسلمان). در ضمن بیان و تفسیر این آیه خبری هم ذکر شده است دال بر اینکه حتی نگاه کردن بخانه‌ای بی اجازه و رضایت صاحب خانه جایز نیست آنچنانکه اگر کسی بی اجازه و رضایت صاحب خانه‌ای بخانه او نگاه کند صاحبخانه حق اعتراض دارد و هرگاه در ضمن اعتراض و ممانعت او بچشم نگاه کننده بی اجازه آسیبی برسد و کور شود حرجی بر صاحبخانه نیست و او ملزم به پرداختن دیه نمی باشد و شاید بمناسبت همین خبر است که در موقع تصدیق بجا بودن مجازات کسی که مرتکب عمل زشت و خلافی میشود می گویند تا چشمش کور شود.

در حال با در نظر گرفتن آیه شریفه و خبری که ذکر شد اهمیت و عظمت خلافی که عبارتست از بی اجازه داخل شدن بخانه دیگران و تصرف آن معلوم میگردد، بنابراین اعضای انجمنهای اسلامی با تصرف ساختمان هیأت مدیره نظام پزشکی مشهد و محل کار آنها هم بواسطه سرپیچی از امر صریح قرآن و هم بواسطه عدم رعایت قوانین موضوعه عادی مرتکب گناه و جرم بزرگی شده اند و ادعای اینکه خلافکاری آنان (حمایت بیدریغ سازمان و گروهها و انجمنهای اسلامی دیگر و عده‌ای از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و مقامات مسئول را همراه داشت) بهیچوجه موجب تبرئه آنان از گناهی و جرمی که مرتکب شده اند نمی تواند بود. از طرف دیگر مثل اینکه آقایان انجمنهای اسلامی صرف کنندگان محل نظام پزشکی و طرفداران و حمایت و تأیید کنندگان آنان فرمان واجب الاذعان «و تعاونوا علی البر و التقوی و الاتعاونو علی الاثم و العدوان» را نخوانده اند یا فراموش کرده اند که این آیه در جمله «امر است از جانب خدا تعالی همه مکلفانرا بریاری کردن بابر یعنی کارهای نیکو و تقوی یعنی پرهیز از هر عمل ناپسند و

نامطلوب» که مستلزم بذل کمال اهتمام در رعایت انتظامات و اجرای درست قوانین و اجتناب کامل از تخطات از احکام شرع انور و معاونت بر گناه و ستم می باشد و جزء آخر فرمان یعنی «واتقوا الله ان الله شدید العقاب» را هم باور نمی کنند بقول لسان الغیب: کویا باور نمی دارند روز داوری کاین همه قلب و دغل در کار داور می کنند. آقایان فراموش نفرمایند که نظام پزشکی ایران چنانکه من در مقدمه این مقاله گفتم يك مؤسسه قانونی است. با هدف عالی انسانی در جهت معاونت بابر و تقوی و جلوگیری از گناه و ستم خواه از ناحیه پزشکان خاسطی نسبت به بیماران و خواه از ناحیه مراجعہ کنندگان نسبت به پزشکان و گردانندگان امور سازمان مرکزی نظام پزشکی ایران و اعضای محترم هیأت های مدیره نظام پزشکی شهرستانها عملاً نشان داده اند که بخوبی متوجه وظیفه سنگین و مقدس خود می باشند و با بردباری و استقامت در مقابل ناملازمات و اعتراضات نابجای روزافزون بی هیچ چشمداشت و اجر مادی بآن عمل می کنند «الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب». «آنانکه بخدا ایمان آورده و بکار نیکو پرداختند خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها» (سوره الرعد ۱۳- آیه ۲۸ ترجمه از منتخب التفسیر مهدی الهی قمشاهی ص ۳۲۷) بنا بر این مناقضت با نظام پزشکی و بهانه گیری برای الغاء آن و از کار برداشتن اعضای افتخاری اداره کنندگان آن در حکم معاونت سرریح با گناه و ستم است و مخالفت با بر و تقوی است.

۳- در متن خلاصه شده اعلامیه آقایان اعضاء انجمن اسلامی پزشکان نوشته شده است که تصرف سازمان نظام پزشکی بعنوان اعتراض به انتخابات هیأت مدیره سراسر ایران که بر پایه قوانین چنین و چنان است بوده است. این توجیه تصرف سازمان نظام پزشکی علاوه بر آنکه (چنانکه بیان شده) تصرف و عملی منافی و مخالف دستور صریح اسلام است و با هیچ قاعده و قانون دیگری هم وفق نمی دهد از لحاظ اجتماعی و عرفی و دینی پذیرفته شدنی نیست زیرا تصور بفرمائید که اگر بنا باشد که شخص یا جمعیتی اسلامی یا غیر آن بصرف اعتراض داشتن بر صلاحیت اشخاصی و متصرف بودن و مستقر بودن آنان در مکان یا سازمانی حق داشته باشند مکان یا محل کار آنانرا تصرف و اشغال کرده و آنانرا از آنجا بیرون کنند و مانع کارشان بشوند و هیچ کسی هم حق ایراد و تعرض نداشته باشد چه اغتشاش و آشوبی در جامعه تولید خواهد گردید؟ تازه اشغال کنندگان چه اعتراضی بر انتخابات هیأت مدیره نظام پزشکی سراسر ایران دارند و بکدام ماده آئین نامه انتخابات یا تصمیمات و مصوبات هیأت های مدیره یا اصل قانون نظام پزشکی معترض می باشند و چرا اعتراضشان را در موقع انتخابات یا در زمانی که شورای انقلاب با تصویب ماده واحده مذکور در مقدمه این

مقاله برقراری نظام پزشکی ایران و درستی وصحت قانون تأسیس آنرا قبول و تسجیل می نمود اعتراض نکردند و امروز برای آنکه عمل عدوانی خودشانرا درست و موجه قلمداد کنند متمسک باسلامی بودن و اعتراض میشوند.

۴- نوشته اند که انتخابات هیات مدیره (بر پایه قوانین بیادگار مانده از طاغوت است) و بنابراین آقایان حق داشته اند محل کار آنان را تصرف کنند. عجب استدلالی؟! واقعاً اگر بنا باشد که هر چیزی و هر امری که «بیادگار مانده از طاغوت» است مطرود و مردود و محکوم باشد آیا نمی توان گفت که تمام کارهای گذشته خود آقایان از جمله معاملات بانکی و ملکی و قبول خدمت در ادارات یا شرکتها حتی ازدواج و تاهلشان همه بر حسب و برطبق یا بر پایه قوانین و آئین نامه ها و انتظامات دوران طاغوت بوده است و در صلاحیت آنها اشکال زیاد هست و بنابراین باطل است همچنین اگر آقایان واقعاً معتقدند آنچه «بیادگار مانده از طاغوت» است باید نابکار محسوب شد و محو گردد و هر موسسه و اثر و دیپلم و گواهینامه ای که بر پایه چنان قوانین و دستورالعملهایی است باید لغو و منقرض گردد باید اول گواهینامه های دکتری و اجازه طبابت و اسناد مربوط دیگرشان را پاره کنند و دور بیندازند و نیز از عنوان دکتری و طبابتشان دست بردارند حتی آنچه را تا بحال بااستناد باین قبیل عنوانها انجام داده و جوهری که دریافت کرده اند پس بدهند و از تابع طاغوت بودن و عمل کردن نشان به نظامات طاغوت توبه کنند و از نو برطبق مقررات و قوانین جدید بر مبنای اسلامی که انشاءاله از طرف مجلس شورای اسلامی مورد قبولشان وضع و تصویب خواهد شد تحصیل کنند و دکتر بشوند زیرا این آقایان وقتی که منکر هر چه «بیادگار مانده از طاغوت» است می شوند در واقع منکر صلاحیت و اصالت همه قوانین و نظامنامه ها و آئین نامه های اداری و برنامه های آموزشی دبستانها و دبیرستانها و دانشگاههای سراسر ایران که باعث آادان همه بر اساس افکار و نیت استعمار و استثمار و رژیم بیدادگرانه طاغوت و مخصوصاً طاغوت پروران شرق و غرب از اروپائی و امریکائی و غیره بوده است می باشند و اگر این آقایان انجمن های اسلامی بیمارستانهای مشهد در کارهایی که انجام داده اند و می دهند (و به مردم متدین و متعهد ایران خلاف بودن بسیاری از آنها مسلم و ثابت شده است) حقیقتاً بصحت و مطابق شرع بودن دلایل و اعمالشان اعتقاد و ایمان دارند بسم الله این گوی و این میدان بادر نظر گرفتن اصول و دلایلی که من توضیح دادم و مطابق قوانین جدید بر مبنای اسلامی عنقریب التذوین و التصویب شروع بکار و عمل بکنند آنگاه اگر ما مخالفت کردیم سنگسارمان بفرمایند.

من ادعا نمی کنم که قانون و آئین نامه های سازمان نظام پزشکی و هیئت های مدیره آن بکلی عاری از عیب و نقص است ولی مسلم است که انتخابات هیات های مدیره به بهترین ترتیب ممکن و بر طبق قانون و آئین نامه مربوط انجام داده میشود. و هیئت های نظارت انتخابات با کمال بی نظری و امانت و شرافت بوظیفه خودشان عمل می کنند و با وجود این آنانکه نظری درباره نظام پزشکی و هیات مدیره یا اعتراضی بآنها دارند یا بعیب و نقیضی برمی خورند یا از رفتار پزشکی گله مندند حق دارند و بنظر من موظفند که نظر خود را بنویسند و دلایل خودرا توضیح بدهند و مطمئن باشند که تمام حرفهای آنان خواه در هیات مدیره و خواه در کمیسیونهای مربوط رسیدگی شده و در رفع موجبات گله ها و اعتراض های آنان عمیمانه سعی بعمل خواهد آمد و پیشنهادهای بیجا نیز با خوشوقتی تلقی شده و در آئین نامه ها منظور خواهد گردید و آنچه مربوط بقانون باشد برای تصویب از طریق دولت اقدام خواهد شد و باین ترتیب اسباب رضایت و خوشنودی تمام همکاران و علاقه مندان بنظام پزشکی ایران فراهم خواهد آمد. در خاتمه عرض میکنم که بر مندرجات اعلامیه آقایان ایرادهای دیگر هم وارد است که من برای اجتناب از اطاله کلام از وارد شدن در بحث تمام آنها خودداری میکنم و اگر لازم باشد انشاءاله در فرصت دیگر. اما شاید اینقدر بتوانم عرض کنم که آقایان همکاران معترض عراض این همکار سالخورده خود را که از جوانی روز و سالهای پیش از شروع بتحصیل طب در تلاش آزادی و استقلال کامل و آبادی وطن عزیزمان ایران و ملت شریف ایران بوده و در طریق این تلاش مستمر و پی گیر صدقاتی دیده و حبه ها کشیده و محرومیتها تحمل کرده و از مال حال خلافاکاران و قانون شکنان تجربه آموخته و عبرت گرفته است بشنوند و نظام پزشکی ایران را که ضامن حفظ حیثیت پزشکان و مصالح عامه مردم می باشد تأیید و تثبیت کنند و احترام همکاران خود را رعایت فرمایند و بهر جهت قوانین موضوعه را که در حال حاضر مملکت عمل همه دستگاهها است محترم بشمارند و در اجرای آنها سعی باشند و در زمانی که وطن و ملت ستمدیده و انقلاب کشیده ایران ار هر طرف مورد تجاوز و تعدی و تهاجم خصمان غدار می باشد بیشتر از هر موقع بوحثت نظر و اتفاق و اتحاد و دوستی بگرایند و از موجبات نفاق و اختلاف بپرهیزند: درخت دوستی بنشان که کام دل بیار آرد نهال دشمنی بر کن که رنج بیشمار آرد.

ربنا لاترغ قلوبنا بعد از هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب \*  
دکتر مهدی آذر